

گزارش گمانه زنی ترانسه A، محوطه کنار جاده‌ای تشویر شهرستان طارم استان زنجان (تابستان ۱۳۸۹)

دکتر علی نوراللهی

دانش آموخته دکترای باستانشناسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

alinorallahy@yahoo.com

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۹/۵ تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱۰/۱۷

چکیده

این محوطه در اثر فعالیت های عمرانی در سال ۱۳۸۹ کشف گردید. در کاوش نجات بخشی این محوطه نگارنده برای روشن کردن وضعیت آثار و بقایای معماری سه ترانسه حفر نمود که در نتیجه آن بقایای معماری و قسمتی از یک سازه عظیم مشخص شد که در این مقاله به علت اهمیت ترانسه A فقط به بررسی آثار و شواهد معماری و سفالی بدست آمده از این ترانسه پرداخته شده است. سفالهای این محوطه با توجه به شکل و فرم و تزیینات و نوع لعاب قابل مقایسه با سفالهای اشکانی حاشیه جنوبی دریای خزر (بخصوص گیلان)، منطقه شمال غرب و غرب ایران می باشد. در واقع می توان گفت که منطقه طارم زنجان منطقه ای است که این سه سنت سفالی باهم همپوشانی پیدا کرده اند. همچنین شیوه ساخت بقایای معماری و مصالح بکاررفته در بخشی از سازه کاوش شده، مقایسه آن با مناطق فرهنگی همجوار و مناطق دیگر که شبیه این نوع معماری در آنها بدست آمده پرداخته شده است. بنابراین بر اساس آثار معماری و شیوه ساخت بناها و سفالهای بدست آمده این محوطه مربوط به دوره اشکانی میانه و متاخر است که تا اوایل دوره ساسانی همچنان تداوم داشته است.

واژه های کلیدی: باستانشناختی، زنجان، طارم، محوطه کنار جاده ای تشویر، معماری، سفال.

مقدمه

یکی از شهرستانهای هفتگانه استان زنجان شهرستان طارم است که در سال ۱۳۷۶ به مرکزیت آبرتاسیس گردیده و شامل دوبخش، پنج دهستان و ۱۵۰ آبادی می باشد که ۱۰۲ آبادی آن دارای سکنه اند. مساحت این شهرستان ۲۲۳۵ کیلومتر مربع بوده و از شمال به استان اردبیل و از شرق و شمال شرقی به استان قزوین و استان گیلان، از جنوب به شهرستان ابهر و از غرب به شهرستان زنجان محدود است. این شهرستان دارای ناهمواریهای بسیاری است و رودخانه پرآب و خروشان قزل اوزن، دره عمیقی در آن ایجاد کرده که ارتفاع کف این رودخانه در گیلوان به کمتر از ۴۰۰ متر از سطح دریا رسیده و طرفین آن رشته کوههایی قرار گرفته که ارتفاع برخی از قله آن بیش از ۲۸۰۰ متر بالغ می گردد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۵، ص ۲-۴). بررسی باستانشناسی آثار و محوطه‌های روستای تشویر به هدف شناسایی و مستندسازی آثار باستانی صورت گرفت که احتمال می رفت به دنبال فعالیت راهسازی در معرض تهدید یا تخریب قرار بگیرند. در سال ۱۳۸۹ در طرحی با همکاری اداره میراث فرهنگی و اداره راهسازی استان زنجان انجام گرفت.

پیش از این شهرستان مانند دیگر نواحی کمتر مورد توجه باستانشناسان بوده و در سالهای اخیر توسط عرض الله نجفی ۱۳۸۶ و ابوالفضل عالی ۱۳۸۷ مورد بررسی قرار گرفته است. در این نوشتار سعی شده تا یکی از این محوطه‌ها که در بررسی ۱۳۸۹ شناسایی و گمانه زنی شده و دارای اهمیت بیشتری است مورد مطالعه قرار گیرد.

بررسی و کاوش باستانشناختی

کاوش در روستای تشویر به دنبال کشف آجرهای بزرگ به ابعاد ۴۹×۱۵×۱۲ cm هنگام کندن پی و عملیات خانه‌سازی و همچنین کشف بقایای دیوار و آثار معماری در ابتدای روستای تشویر که بیل مکانیکی راهسازی حین خاکبرداری و تعریض این قسمت مسیر قسمتهایی از آنرا تخریب کرده بود، آغاز شد.

این گمانه‌زنی به منظور مستندسازی و نجات بخشی آثاری که در معرض تهدید و تخریب بودند انجام گردید، لذا در ابتدا با فرضیه خاصی همراه نبود، اما نگارنده بعد از بررسی محوطه‌ها و گمانه زنی در این محل که منجر به کشف قسمتی از یک سازه و بنای عظیم گردید، معتقد است که این آثار نشان دهنده اهمیت این محوطه در دوره اشکانی و ساسانی از نظر سیاسی، تجاری و مذهبی می باشد. ضرورت کاوشهای گسترده و جدیدتر می تواند این فرضیه را ثابت نماید.

گزارش حاضر حاصل گمانه زنی نگارنده می باشد که در بر گیرنده جزئیات کامل معماری، شرح لوکوس‌ها، لایه نگاری و نیز ارائه جداول تهیه شده از سفالهای شاخص که در طول کاوش بدست آمده و مقایسه آنها با یافته‌هایی از این دست که از محوطه‌های همزمان دیگری در شمال غرب و غرب و مناطق همجوار فرهنگی دیگر کشف و یافت شده است.

روش کاوش و ثبت داده‌ها

در کاوش محوطه کنار جاده تشویر از نقشه محل که توسط گروه مهندسی نقشه‌برداری شرکت سلانسر که به مقیاس ۱:۲۰۰۰ تهیه شده بود در طول بررسی استفاده شد.^۱

نگارنده بعد از بررسی سطحی محوطه تصمیم را براین قرار داد که محلی انتخاب نماید، تا بتواند بیشترین اطلاعات و داده‌ها را در طول زمان مجوز کاوش (از ۲/۱۵ تا ۳/۱۵ که زمان زیادی از آن صرف هماهنگی‌های لازم، تامین نیرو و تجهیز کارگاه گردید) در این محوطه بدست آورد، همچنین بدلیل شروع برداشت سیر تقریباً تامین نیروی کار برای کاوش در این محوطه با مشقت زیادی همراه بود.

با این انگیزه نگارنده توانست ۴ ترانشه TA, TB, TC, TD (که به ترتیب زمان حفاری نامگذاری شده‌اند) در برش دیواره شرقی جاده ایجاد نماید، و هدف از باز کردن این ترانشه‌ها دستیابی به موقعیت و شکل قرارگیری آثار در کنار جاده و همچنین مستندسازی آثار و بقایای معماری در معرض خطر که در محدوده تعریض راه قرار گرفته بودند، می‌باشد. این ترانشه‌ها در لبه برش دیواره شرقی جاده و اطراف قسمتی از محدوده تعریض جاده که بدلیل وجود پل فلزی و لوله آب دست نخورده و سالم مانده بود مکان یابی شدند.

در طول کاوش ترانشه A, B, C, D از روش ماتریس هریس که بهترین روش برای ثبت وضبط

داده‌ها و آثار معماری که در حفاری بدست می‌آیند (علیزاده، ع، ۱۳۸۰: ص ۱۷۴)، می‌باشد، استفاده گردید. با بکار بستن این روش در زمان کاوش همراه با ثبت و طراحی، مستندسازی سفالها و آثار معماری بدست آمده و انجام لوکوس‌بندی و لایه‌نگاری همراه با تغییرات لوکوسها و سفالها توانستیم به چشم انداز نسبتاً دقیقی از وضعیت قرارگیری، پراکنش آثار و گاهنگاری این محوطه دست پیدا کنیم.

محوطه کنار جاده تشویر

دارای موقعیت جغرافیایی 36 47 31.77 N , 48 59 59.84E و در ارتفاع ۵۹۱m از سطح دریا واقع شده است. و ارتفاع آن از سطح جاده ۴۴۰cm می‌باشد. قسمت‌های شمالی این محوطه امروزه زیر کشت درخت زیتون (باغ زیتون) قرار دارد. در شرق و اطراف آن خانه روستائیان ساخته شده است و در ضلع غرب و شمال غرب به مسیر آسفالت گیلوان- تشویر منتهی می‌شود. این محوطه در شمال و ابتدای روستای تشویر و شرق جاده آسفالت گیلوان به تشویر و در محل سه راهی تشویر به چمله قرار دارد (شکل ۱).

این محوطه هنگام عملیات راهسازی و تعریض جاده گیلوان- روستای تشویر در کیلومتر ۴۹/۷ تا ۴۹/۸ هنگام خاکبرداری کناره شرقی این مسیر شناسایی گردید. به این صورت که هنگامی که بیل مکانیکی مشغول عملیات خاکبرداری از این قسمت مسیر بوده به آثاری برخورد کرده است که متأسفانه به عرض ۸m از آثار از لبه کنار جاده قدیمی تا دیواره کنار جاده‌ای تازه احداث شده کاملاً از بین

^۱- ولی بعلت مقیاس آن و تخصصی بودن کمتر به جزئیات و عوارض طبیعی منطقه پرداخته بود، فقط خط برش دیواره کنار جاده ای و حریم راه را تا ۴۵ متری از دو سمت مسیر به صورت جزئی مشخص کرده بود.

ترانشه A (TA)

ترانشه A اولین گمانه‌ای بود که در محوطه کنار جاده‌ای تشویر حفاری شد. این ترانشه در لبه برش کناره شرقی جاده و در ۶ متری پل فلزی انتقال آب بخش شمالی روستا مکان یابی شد و در مکانیابی TA سعی شد تا محلی انتخاب شود که هم تا حدودی سالم باقی مانده باشد و هم اطلاعاتی از بخش تخریب شده را ارائه نماید تا بتوان از آن بیشترین اطلاعات و داده‌ها را از سبک معماری لایه نگاری محوطه بدست آورد.

ترانشه A در ابتدا به دلیل قرارگیری بر روی برش کناره شرقی جاده که جهت این برش جنوب شرق-شمال غربی ایجاد شده بود و نسبت به جهت شمال واقعی انحراف داشت ایجاد شده بود، حالت ذوزنقه‌ای داشت ضلع جنوبی ۱۰۰ cm و ضلع شرقی ۳۵۰ cm و ضلع شمالی هنگام نخ کشی بالای برش کناره جاده ۲۳۰ cm بود. حفاری با برداشتن خاک این ترانشه به ضخامت ۳۰ cm از بالا شروع گردید که به طور منظم تا عمق ۴۵۰ cm از لبه بالای برش کناره جاده ای ادامه داده شد، به هرکدام از این ضخامت‌های ۳۰ و فیچرهای بدست آمده برای ارجاع و توصیف داده‌های بدست آمده از این عمقها و ارجاع به آنها در طول حفاری به هرکدام یک لوکوس داده شد. ابعاد این ترانشه در عمق ۴۵۰ cm - ۸۰ cm روی خاک بکر ۵/۵ × ۳/۴۰ می باشد. (شکل ۲)

این ترانشه به ۳۸ لوکوس تقسیم شد که از TA L1 تا TA L38 از بالا به پایین نامگذاری شدند که از میان آنها، TA L5 تنور، TA L7 آجرهای ریخته، TA L12 کف گچی و TA L8, 21-38 رج‌های آجر دیوار می‌باشند و بقیه لوکوس‌ها ضخامت‌های اختیاری (۳۰ cm) بودند، که در طول کاوش برای سهولت در

رفته، فقط آثار پراکنده‌ای که شامل آجرها و لاشه سنگ‌ها در این قسمت قابل مشاهده بود^۲.

به گفته اهالی روستای تشویر در محل کنونی جاده آسفالتی آثاری وجود داشته که هنگام جاده سازی در حدود سال ۶۳-۱۳۶۲ هجری. شمسی که برای اولین بار جاده را ایجاد می‌کرده‌اند، به وسیله ماشین‌های راهسازی از بین رفته و قسمتی از آثار به صورت دیوار لاشه سنگی از آن باقی مانده بود که طی تعریض راه جدید همراه با قسمتی از سازه آجری از بین رفته است. (ر.ک. به لوکوس TBL12 TBL13)، اهالی روستا وقتی مشاهده می‌کنند که با باکس بیل مکانیکی آجرهای بزرگ همراه خاک بالا می‌آید از ادامه عملیات ممانعت به عمل می‌آورند. ولی به به نظر می‌رسد که خیلی دیر شده بود و بیشتر آثار که در محدوده شرقی جاده تا فاصله ۸ m از جاده قدیم قرار گرفته بود، تخریب شده بودند (شکل ۲).

برای مستندسازی، دامنه گسترش آثار و روشن کردن وضعیت دوره‌های فرهنگی این محوطه ۴ ترانشه (TA, TB, TC, TD) در دیواره شرقی و قسمتهای دست نخورده محدوده جاده باز شد که ترانشه A در عمق ۴۵۰ cm و ترانشه B در عمق ۱۸۷ cm از سطح بالای محوطه (برش شرقی کنار جاده) و ترانشه C در عمق ۱۵۰ cm و ترانشه D در عمق ۴۵۰ cm (برش شرقی کنار جاده) از سطح بالای محوطه به خاک بکر رسیدند.

^۲ - حدود طول کمتر از ۱۲ m و عرض ۸ متر از این محوطه که در مسیر طرح تعریض قرار گرفته بود دارای آثار معماری بوده و در بقیه این قسمت مسیر به آثار برخورد نکرده است.

خمیره کرم که تا حدودی آثار ریختگی در لعاب آن دیده می شود.

سفال جلینگی (کلینکی): یک بدنه با دسته و خمیره شتری رنگ بافت فشرده و سخت که مغز سفال به علت حرارت خاکستری شده است. سفالهای آشپزخانه‌ای همراه سه سفال بدنه نخودی-آجری با تمپر شن زیاد که با چشم روی بدنه قابل مشاهده است و گاه با دانه‌های سفید آهک (برای جذب حرارت بیشتر) که بیرون آنها بعلت حرارت سیاه شده است و حرارت برای پخت آنها کافی نبوده است و برخی از آنها با شیء کاردک مانند یا هنگام ساخت به وسیله سفالگر صاف شده‌اند. (شکل ۸)

لوکوس ۳ (TA L3): در این عمق (۶۰-۹۰cm) به علت اعتراض مالک زمین و همچنین وسیعتر شدن تراشه در کف و نداشتن آثار معماری به نصف کاهش یافت. بافت خاک این عمق دانه درشت و با دانه‌های شن به قطر ۳-۵ میلیمتر و رنگ خاک قهوه‌ای تیره مایل به سیاه می‌باشد.

در این لوکوس آجرهای شکسته به قطر ۵-۱۰ سانتیمتر همراه با لاشه سنگهای به اندازه ۱۰-۲۰ سانتیمتر و همچنین در میان و اطراف آجرهای شکسته و فرو افتاده تکه‌های از ملاط گچ مشاهده شد. تعداد ۴ عدد آجر کوچک به ابعاد ۱۲x۵x۳ cm بدست آمد که با توجه به کوچکی و ظرافت این آجرها احتمالاً برای تزیینات به کار برده می‌شده‌اند.

سفالها: فرم سفالها عبارتست از کوزه، کوزه کوچک، ظروف دسته‌دار، ظروف آشپزخانه‌ای با دسته هلالی، خمره، ظروف شکم‌دار.

در حفاری این لوکوس ۳۰ سفال که شامل ۸ لبه بانقوش شانهای، ۶ قطعه دسته ظرف، که یکی از آنها

ارجاع و توصیف داده‌های به دست آمده در نظر گرفته شدند. (شکل ۱۲)

لوکوس ۱ (TA L1): لوکوس یک (TAL1) ۳۰ سانتیمتر ضخامت دارد و اولین لوکوس محسوب می‌شود. که تا عمق ۲۰ سانتیمتری شامل خاک سطحی می‌باشد که بارها توسط ابزار و ماشین آلات کشاورزی جابجا شده است.

رنگ خاک قهوه‌ای تیره مایل به زرد می‌باشد که خاک آن دارای بافت دانه درشت با دانه‌بندی ۵-۳ میلیمتر که در آن ریشه گیاهان مشاهده می‌شود. سفالها: در این لوکوس در عمق ۲۰ سانتیمتری از بالا ۹ تکه سفال همراه قطعات خرد شده کوچک آجر بدست آمد. سفالها همگی بدنه و هیچکدام شاخص نیستند که شامل بدنه با لعاب آبی فیروزه‌ای در روی بدنه و لعاب آبی کمرنگ و رنگ پریده در قسمت داخلی، که تا حدودی لعاب آن ریخته است. و همچنین به علت حرارت بعضی نمونه‌ها نخودی مایل به کرم شده‌اند. سفالهای دیگر شامل نخودی-آجری می‌باشند با تمپر ماسه نرم که ذرات میکا در خمیر آنها دیده می‌شود که مربوط به خاک رسی است خمیره سفال از آن ساخته شده است و همه این سفالها چرخ‌ساز می‌باشند. (شکل ۳)

لوکوس ۲ (TA L2): خاک این لوکوس (۳۰-۶۰) دارای بافت دانه درشت و متراکم با دانه‌بندی ۳-۵ میلیمتر و رنگ آن قهوه‌ای تیره مایل به زرد هست.

سفالها: در این لایه مانند لایه فوقانی داده‌های سفالی کمی بدست آمد که شامل ۷ قطعه سفال در برگیرنده لبه با لعاب سبز زیتونی و سفید در روی بدنه و داخل، بدنه با لعاب آبی فیروزه‌ای کمرنگ و

به صورت ابرویی (هلالی) چسبیده به بدنه می‌باشند و دارای تمپر گاه خرد شده می‌باشند (آشپزخانه ای).

۱۶ قطعه بدنه که برخی از آنها خمیره سفال خوب ورز داده نشده بطوریکه بدنه و دیواره سفالها متخلخل شده است، و در بعضی بدنه‌ها بیرون صاف شده و داخل سفال موجدار باقی مانده است در روی قسمت بیرونی برخی بدنه‌ها آثار چرخ سفالگری بصورت موجهای وجود دارد، که ضخامت آنها از ۲ میلیمتر تا ۲/۵ سانتیمتر متغیر است. همچنین در میان آنها بدنه با تزیین نقش افزوده طنابی، تزیین با نقش سبدي فشرده، نقش شانهای کننده روی بدنه، و سفالهای آشپزخانه‌ای وجود دارد.

سفال جلینگی (کلینکی): دسته ظرف با مقطع بیضی شکل با خط کنده در وسط دسته که دارای خمیره قهوه ای (شتری) رنگ با بافت سخت و محکم می‌باشد.

۴ کفه با قسمتی از بدنه که ۲ عدد از این کفه‌ها تخت و آثار چرخ سفالگری روی بدنه و داخل این کفه‌ها قابل مشاهده است و کفه‌ای که با زاویه شکسته به بدنه متصل می‌شود بطوریکه که با بدنه حالتی شبیه حرف (ک) به وجود می‌آورد در داخل همین نمونه آثار تکه‌ای گل سفال دیده می‌شود که زمان شکل دادن ظرف داخل آن افتاده است و بیرون کفه دیگر با شیء کاردک مانند صاف شده و روی پایه آنرا را با خطوط کنده کوتاه تزیین نموده‌اند.

همراه سفالها ۲ تکه از بدنه تنور که با روش فتیله‌ای ساخته شده است و روی فتیله‌ها را با لایه‌ای از گل اندود شده پوشانده شده (دیواره داخلی آن) روی این اندود یک ردیف خطوط شانهای کننده موازی ایجاد شده است. این دو قطعه در ۳۵

سانتیمتری از دیواره جنوبی و ۱۱۰ سانتیمتری از دیواره شرقی بدست آمدند.

استخوان‌ها: چندین قطعه استخوان شکسته و قسمتی از فک یک حیوان بزرگ با دندان‌بندی آن در این لوکوس بدست آمد. (شکل ۹)

لوکوس ۴ (TAL4): بافت خاک این عمق ۹۰-۱۲۰cm دانه درشت با دانه‌بندی ۳-۵ میلیمتر و به رنگ قهوه‌ای تیره مایل به زرد میباشد.

در عمق ۹۵ سانتیمتری از بالای ترانشه و ۶۸ سانتی‌متری از دیواره شمالی و ۱۲۰ سانتی‌متری دیواره شرقی ترانشه قسمتی از کف یک کوزه یا ظرف که رو به پایین افتاده بود بدست آمد.

تکه آجرهای شکسته بصورت پراکنده در میان آثار این قسمت همچنان مانند عمق‌های بالاتر مشاهده می‌شود. همچنین در این عمق بقایای تنوری کشف شد که جداگانه به آن یک لوکوس داده شد که در لوکوس بعدی کاملاً توصیف و مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

اشیا و استخوان‌ها: در این لایه یک قطعه شیشه شکسته به رنگ سبز شفاف و یک قطعه صدف دریایی که سوراخ شده بود و احتمالاً کاربرد تزیینی داشته است (به عنوان آویز یا قسمتی از یک گردنبند) و یک قطعه استخوان کوچک شکسته که سیاه شده است.

سفال‌ها: فرم سفال‌ها شامل تنگ دسته دار، کاسه، ظروف شکم دار با لبه برگشته، کاسه دهانه باز دیزی، ظروف آشپزخانه‌ای و خمره.

در این لوکوس ۴۷ سفال شکسته که شامل ۸ لبه که ۳ لبه لعابدار با لعاب سفید، آبی فیروزه‌ای و سبز وزرد که لعاب برخی از آنها ریخته یا پریده است، لبه و گردن یک تنگ با تزیین نقش کنده

ابتدا گودال و حفره‌ای برای نصب تنور حفر کرده‌اند بعد آن را بصورت فتیله‌ای جدا جدا در محل آن در حالی که هنوز گل آن خشک نشده بود نصب شده است. فقط قسمتهای از تنور در کاوش این لایه بدست آمد که ناشی از سطح محدود حفاری در این قسمت بوده که عرض ترانشه به نصف کاهش پیدا کرد.

اما در اطراف آن توده‌ای از خاکستر و زغال به ضخامت کمتر از ۱۰ سانتی متر دیده شد که مربوط به این لوکوس می باشد. تکه های از بدنه تنور در لوکوس ۳ (عمق ۷۵ سانتیمتری) در ۳۵ سانتیمتری دیواره جنوبی آن کشف شد، همچنین این لوکوس بر روی آوار و آجرهای سالم و شکسته فرو ریخته لوکوس ۷ و ۶ (۱۲۰ cm تا ۱۵۰) قرار گرفته است که نشان می دهد که این تنور بعدا ساخته شده است و با آثار معماری و لایه‌های فرهنگی ترانشه A همزمان و هم دوره نیست، و متعلق به زمانهای جدیدتر و شاید همزمان با ایجاد روستای تشویر باشد. امروزه نیز ساکنان و اهالی روستای تشویر برای پخت نان از تنورهای که در زمین کار گذاشته می شود استفاده می کنند که با همین شیوه ساخته شده اند. (شکل ۴)

لوکوس ۶، ۷ (TA L6,7): خاک این عمق (۱۲۰-۱۵۰ cm) دارای بافت دانه درشت با دانه بندی شن به قطر ۳ تا ۵ میلی متر و به رنگ قهوه‌ای تیره می باشد. در میان خاک این لوکوس آثار زغال و خاکستر تکه‌های ملاط گچ و آهک به همراه لاشه سنگ‌های به ابعاد ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر وجود دارد.

آثار آواری آجرهای خشتی (بعلت بزرگی ابعاد آنها) که به صورت نامنظم در این لوکوس افتاده بودند، این آجرها دارای ابعاد متفاوتی هستند که اندازه ابعاد آنها عبارتست از ۱۲×۲۶×۴۹ cm و

شانه‌ای، ۲ لبه دیگر مربوط به ظرف شکم دار با لبه برگشته به بیرون که یکی از نوع آشپزخانه‌ای است، نمونه آخر لبه ساده مربوط به کاسه می باشد.

۱۷ سفال نوع ظروف آشپزخانه‌ای که در روی آنها آثار سوختگی و حرارت دیدگی هنگام پخت و پز دیده می شود. بدنه‌ها با تزیین نقش کنده شانه‌ای و ۲ دسته ظرف یکی با سوراخ جهت عبور نخ، ۷ کفه ظرف که شامل کفه پایه دار با لعاب آبی فیروزه‌ای و کفه‌های تخت و پایه‌دار. سفال‌های لعاب دار و کرم جز در مواردی (سفال‌های که لعاب آنها ریخته) دارای بافت متراکم، محکم و سخت می باشند. (شکل ۱۰)

لوکوس ۵ (TA L5): تنور در عمق ۹۰ تا ۱۲۰ سانتیمتری به فاصله ۱۴۰ سانتیمتری از دیواره شمالی ترانشه و ۱۵۰ سانتیمتری دیواره شرقی ترانشه A بدست آمد.

بدنه و دیواره این تنور با روش فتیله‌ای از گل رس با تمپر کاه ساخته شده است و اندازه فتیله‌های گلی استفاده شده در این تنور ۳/۵×۳/۵ سانتیمتر میباشد که بصورت افقی روی هم چسپانده شده‌اند دیوار داخلی آن با لایه‌ای به اندازه ۳ میلی متر از گل رس خوب ورز داده شده اندود شده است تا ناهمواریهای سطح داخلی فتیله‌ها را بپوشاند، در روی اندود نوارهای با خطوط کنده شانه‌ای عمودی ایجاد کرده‌اند تا خمیر نان به دیوار تنور بچسپد و مانع افتادن نان به داخل تنور شود و خوب پخته شود.

قسمت رویی دیواره بیرونی به حالت ضمخت و خشن رها شده است فتیله‌ها قابل مشاهده هستند و آثار فرورفتگی سنگها و سنگ ریزه‌ها در روی آن دیده می شود که یکی از دلایل این می توان باشد که

فشرده وجود دارد که دارای بافت متراکم، سخت و محکم می‌باشند.

۱۲ سفال آشپزخانه‌ای با خمیره قهوه‌ای (شتری) با تمپر شن و ماسه - که سبب جذب حرارت بیشتر هنگام قرارگیری سفال روی آتش برای پخت غذا می‌شود - و تمپرکاه که به علت حرارت ناکافی هنگام پخت در کوره مغز سفال سیاه شده است که ۹ عدد از آنها دست‌ساز می‌باشند و بافت آنها ضعیف بوده در مواردی ترد و شکننده می‌باشند. ۴ قطعه کفه ظرف که شامل کفه گود تخت - که با کاردک بیرون آن صاف شده است - پایه دار، پایه دار تخت با لعاب سبز کمرنگ. یک قطعه دسته چسپیده به زیر لبه و شانۀ ظرف که روی آن با انگشت شیارهای عمودی برای راحتی هنگام گرفتن دسته ایجاد شده است.

اشیا و استخوان‌ها: شامل ۳ تکه شیشه شکسته به رنگ سبز شفاف، یک آجر کوچک به ابعاد $12 \times 5 \times 3 \text{ cm}$ ، قسمتی از فک یک حیوان بزرگ (گاو؟) و قسمتی از استخوان که جای ضربه و بریدگی ساطور روی آن وجود دارد. (شکل ۱۱)

لوکوس ۸، ۲۱-۳۸ (TA L8,21-38): برای سهولت در ارجاعات در طول حفاری به هر کدام از رگ‌های (رج) آجر یک لوکوس داده شد که بعد شماره این لوکوس‌ها تغییر یافت. رگ‌های آجر این دیوار عظیم بعد از مستند سازی و برداشتن L7TA (آجرهای ریخته آواری) در عمق 140 cm کشف شدند که عبارتست از دیواری عظیم که از مصالح آجرهای بزرگ، لاشه سنگ و ملاط گچ نیمکوب در ساخت آن استفاده شده است که این سازه از طرف

$27 \times 17 \times 12 \text{ cm}$ و $38 \times 17 \times 12 \text{ cm}$ و $49 \times 14 \times 12 \text{ cm}$ می‌باشد. بصورت سالم و شکسته که در روی بعضی از آنها اثر ملاط گچ دیده میشود و همچنین در این لوکوس (TAL7) آجرهای که بعثت حرارت زیاد هنگام پخت در کوره دفرمه شده یا قسمتی از آن به صورت جوش در آمده است کشف شد. بعد از مستند سازی و برداشتن لوکوس ۷ در عمق 140 cm آثار دیوار آجری عظیمی کشف شد، که هنگام تعریض جاده قسمت‌های بیرونی این دیوار به وسیله بیل مکانیکی به شکل اریب تخریب (در اصطلاح کچل) شده بود (TAL8,21-38). برای سهولت و ارجاع در طول حفاری به آوار آجرها یی که در لوکوس ۶ خاکبرداری شدند یک لوکوس جدید (TAL7) داده شد.

سفالها: فرم سفال‌ها عبارتست از کوزه دسته دار، کاسه، کاسه‌های دیزی شکل با لعاب آبی فیروزه‌ای و سبز، ظروف شکم دار با لبه برگشته، کفه پایه دار و تخت.

در این لوکوس ۳۶ سفال به دست آمد که شامل ۱۲ سفال با لعاب سبز، آبی فیروزه‌ای که در میان این سفالها قسمتی از یک ظرف وجود دارد که قطر دهانه آن 6 cm و قطر کفه آن 6 cm و ارتفاع $2/5 \text{ cm}$ می‌باشد که داخل آن لعاب آبی فیروزه‌ای و بیرون آن ساده رها شده است و به نظر می‌رسد که این ظرف در ساخت و تهیه دارو و داروی گیاهی کاربرد داشته است.

۶ سفال باخمیر کرم که اثر حرارت زیاد مایل به سفید شده‌اند که ظریف با تمپر ماسه نرم و خمیر سفال خوب ورز داده شده است بطوریکه ضخامت برخی از آنها 2 mm می‌باشد و در بین آنها سفال‌های با تزئین نقش سبدهی

جنوب شرق به شمال غرب TA کشیده شده است. قسمتهای فوقانی این دیوار هنگام تعریض جاده و برش ترانشه کناره شرقی جاده توسط بیل های مکانیکی شرکت راهسازی به شیب اریب کچل شده است و ارتفاع ۲۶۰cm از این دیوار باقی مانده است و در قسمت تحتانی نمای بیرونی آن آثار تورفتگی در آجرها دیده می شود، همچنین آثار تخریب در زمان های گذشته در جاهای از این سازه مشاهده می شود.

در ساخت این سازه از آجر در دو طرف نمای آن استفاده کرده و فضای بین این دو ردیف آجر را با لاشه سنگ سنگچین و پر کرده اند و آجرهای بکار رفته در این دیوار دارای ابعاد متفاوتی هستند که این ابعاد عبارتند از 49x14x12cm, 49x26x12cm, 38x17x12cm, 28x15x12cm, 27x17x12cm و از ملاط گچ به ضخامت ۲-۳cm بین رگچین ها استفاده کرده اند. در این سازه برای استحکام دیوار از روش یک ردیف آجر پهن 49x26x12cm و در ردیف بالاتر از آجر بلند و باریکتر 49x14x12cm یا 39x15x12cm, 38x17x12cm استفاده کرده اند. که این روش باعث چفت و بست شدن بهتر و از طرف دیگر باعث درگیر شدن و اتصال لاشه سنگها با آجرها و استحکام بیشتر دیوار گردیده است (شکل ۶).

این دیوار ۳۳۰ cm طول و پهنای آن ۱۷۰ cm و پهنای آن با شمعک و پشتیبان ۲۰۴ cm می باشد که این شمعک که در بیرون و قسمت داخل دیوار بصورت قرینه کار شده دارای ۱۳۳cm طول در داخل، بیرون ۹۰cm میباشد (این اندازه بعلت وضعیت خاص دیوار نسبت به جهت جغرافیایی ترانشه A می باشد) که از دو طرف ۳۴ cm (۱۷ cm از بیرون و ۱۷ cm از

داخل) ضخامت دارد. البته به نظر میرسد که در این دیوار به طرف جنوب شرق آثار شکاف و بریدگی در دیوار وجود دارد ولی قبلاً با بدست آمدن آثار دیوار و آجرهای هنگام کندن پی در زیر خانه ای که در جنوب شرق TA قرار دارد، مشخص شد که دیوار این سازه به این سمت ادامه دارد، همچنین آثار شیب ترانشه جاده ای و TC, TB نشان می دهد که این دیوار به سمت شمال غرب ادامه پیدا کرده و بعد به طور قائم به جهت شمال شرق و شرق ادامه داده شده است. یکی از اهالی که خانه مسکونی اش در شمال شرق و شرق محوطه حفاری واقع شده اظهار نمود که هنگام کندن کانال برای لوله کشی آب به دیواری با این نوع آجرها در عمق حدود ۱/۵m برخورد کرده است. در قسمتهای مختلف روستا بنا به گفته اهالی هنگام کندن پی خانه یا کانال لوله آب و غیره به آثار و بقایای این نوع آجرها برخورد کرده اند و همچنین در زیرخانه های جنوب رودخانه یوخاری چای ودست راست جاده آسفالته هنگام کندن پی از این نوع آجر وجود داشته است. که این شواهد دال بر این موضوع است که احتمالاً این سازه بخش بسیار کوچکی از تاسیسات معماری عظیم تری است که امروزه روستای تشویر بر روی آن واقع شده است، به نظر میرسد فقط کاوش های باستان شناسی وسیع و گسترده همراه با گمانه زنی در بخشهای مختلف روستا جهت مشخص کردن دامنه گسترش آثار معماری اطلاعات بیشتری را در این باره در اختیار ما قرار داده و جوابگوی سوالات بیشتر ما است. (شکل ۷ و ۶)

لوکوس ۹ (TA L9): خاک این عمق (۱۸۰cm - ۱۵۰) دارای بافت دانه درشت با دانه بندی ۳-۵mm همراه ذرات ریز خاکستر و زغال و رنگ خاک

باتزیین نقوش کنده، لبه کاسه با خمیره آجری و لبه تخت با بدنه زاویه‌دار با تزیین نقش کنده زیر لبه، کفه تخت به قطر ۱۵ cm وجود دارد. (شکل ۱۲)

یک سنگ ساب مدور و گرد که برای خرد کردن سبزیجات و غلات کاربرد داشته است و سطح آن بعلت استفاده صاف شده و قطر آن ۱۰cm می‌باشد در این لوکوس بدست آمد.

لوکوس ۱۰ (TA L10): لوکوس ۱۰ دارای خاک با بافت دانه درشت و دانه‌بندی ۳ تا ۵ میلیمتر به رنگ قهوه‌ای مایل به خاکستری که در خاک این لوکوس به طور پراکنده تکه‌های گچ مشاهده می‌شود.

بعد از مستندسازی و برداشتن لوکوس ۷ در عمق ۱۴۰ cm آثار دیوار آجری عظیمی کشف شد، که هنگام تعریض جاده قسمتهای بیرونی این دیوار به وسیله بیل مکانیکی شرکت سلانسر به شکل اریب تخریب (در اصطلاح کچل) شده بود.

حفاری در قسمت داخلی دیوار همزمان با قسمت کچل شده برای روشن شدن وضعیت سازه ادامه داده شد. در این لوکوس همچنان آجرهای شکسته با تکه‌های ملاط گچ دیده می‌شود اما از تعداد آوار آجرهای سالم و شکسته نسبت به لایه بالاتر کاسته شده است، و این آجرها در اندازه‌های متفاوت ساخته شده‌اند که ابعاد این آجرها ۲۰×۷×۳cm و ۳۸×۱۷×۱۲cm و ۴۹×۲۶×۱۲cm و ۴۹×۱۴×۱۲cm می‌باشد.

سفال‌ها: فرم سفال‌ها شامل کوزه، ظروف شکم‌دار، لیوان و ظروف دهانه باز که لبه آن به داخل برگشته، کاسه، خمره. در این لوکوس ۳۵ قطعه سفال یافت شد، که در بر گیرنده ۹ قطعه سفال لبه، لبه برگشته به بیرون و گردنه کوزه، لبه ظرف دهانه گشاد با لبه برگشته به داخل، لبه لیوان با نقش کنده.

قهوه ای تیره می باشد. آجرهای شکسته و سالم به صورت نامنظم و پراکنده در سطح حفاری بدست آمد که علت شکستگی آجرها فرو افتادن آنها از دیوار در هنگام ویرانی بوده است. در حین کاوش و خاکبرداری اطراف آجرها آثار ملاط گچ نیمکوب نیز دیده می‌شد. البته در این لوکوس تعداد آجرها بسیار کم‌تر از TAL6,L7 می‌باشد که به ابعاد ۳۸×۱۷×۱۲cm و ۲۷×۱۷×۱۲cm و ۲۸×۱۵×۱۲cm هستند، یکی از نمونه‌ها بر اثر حرارت زیاد ذوب و دفرمه شده است. در وقع این آجرهای ریخته ادامه لوکوس ۷ می‌باشند.

سفال‌ها: فرم سفالها شامل کوزه، ظروف شکم‌دار با دسته هلالی زیر لبه، کاسه، دیس، ظروف آشپزخانه‌ای، ظروف با نقوش سبیدی، ظروفی با کفه تخت.

شامل ۶۶ قطعه سفال می‌باشد که در برگیرنده ۴ قطعه سفال نخودی که بر اثر حرارت پوسته برخی از آنها گرم مایل به سفید درآمده با تمپرن نرم و با نقش سبیدی فشرده تزیین شده‌اند و دارای بافت متراکم و سخت، محکم هستند.

۶ قطعه سفال با خمیره گرم مایل به سبز که خمیره خوب ورز داده نشده و دارای تمپر ماسه و کاه می‌باشند که اثر دانه‌های شن و کاه در روی سفال قابل مشاهده است.

۱۸ قطعه سفال آشپزخانه‌ای که خمیره آنها خوب ورز داده نشده است و با تمپرن زیاد و کاه که حرارت برای پخت آنها کافی نبوده است که بعضی از آنها دارای بافت ترد و شکننده هستند.

در میان مجموعه سفالهای این لوکوس، ۷ لبه که ۳ لبه کاسه با لعاب آبی فیروزه‌ای و سبز ۲ لبه مربوط به ظرف شکم‌دار با دسته هلالی زیر لبه، دسته

استخوان‌ها: ۸ قعه استخوان درشت که آثار ضربه ساطور و آثار سوختگی در برخی از آنها دیده می‌شود. (شکل ۱۳)

لوکوس ۱۱-۱۲ (TA L11-12): دارای خاک با دانه‌بندی درشت و چسبیده به هم و کلوخ مانند است، دارای دانه‌بندی ۳ تا ۵ میلیمتر و به رنگ قهوه‌ای مایل به خاکستری تیره می‌باشد. در این عمق حفاری همچنان در قسمت داخلی سازه ادامه دارد، در این لوکوس از حجم آجر شکسته‌ها به طور چشمگیری کاسته شده است.

در عمق ۲۱۰ cm به توده‌ای گچ برخورد گردید، که در فاصله ۳۰ cm از دیواره شمالی و ۳۱۰ cm از دیواره شرقی ترانشه A قرار داشت. تکه‌های گچ نیمکوب که به عنوان ملاط بین آجرها بکار رفته همراه آجر شکسته‌ها بدست آمد. در پایین‌تر از این عمق توده گچ که حدود ۵ تا ۱۰ سانتی متر ضخامت داشته و ۳۵ cm قطر داشته و در اطراف آن تکه‌های گچ بصورت پراکنده مشاهده می‌شد. و یک سنگ مدور و گرد که از آن برای آسیاب کردن غلات و سبزیجات استفاده می‌شده، در عمق ۲۳۰ cm بدست آمد. که در کنار توده‌های گچ شاخص مناسبی برای کف محسوب کردن این قسمت می‌باشد. برای سهولت در ارجاع دادن به این کف شماره لوکوس (لوکوس ۱۲) داده شد. در فضای داخلی سازه با رسیدن به L12 TA حفاری متوقف گردید و در بیرون سازه ادامه داده شد.

سفال‌ها: فرم سفال‌ها عبارتند از کوزه‌های کوچک، ظروف شکم دار با لبه برگشته و شکم‌دار با دسته هلالی زیر لبه (آشپزخانه ای)، کاسه، خمره، لیوان، سفال‌های باتزین سبلی فشرده و نقوش کنده شانهای روی بدنه، و کفه پایه دار گود(ک). سفالها به

۲۳ قطعه بدنه، شامل بدنه ظروف آشپزخانه‌ای، بدنه‌ای متعلق به خمره که به روش فتیله‌ای ساخته شده و گل آن خوب ورز داده نشده است و تمپر آن شن دانه درشت می‌باشد در میان این گروه ۲ قطعه سفال دیده می‌شود که بعلت حرارت زیاد سبز رنگ و زجاجی (شیشه‌ای) شده است، قطعه دیگر قسمتی از یک سفال می‌باشد که هنگامی که خیس بوده بوسیله شی فلزی بطور عمودی بریده شده است که خمیره آن نخودی با تمپر ماسه نرم و حرارت برای پخت آن کافی بوده است که کاربرد این سفال مشخص نیست. (احتمالاً برای پوشش سقف) این موضوع یعنی استفاده از پوشش سفالی در قلعه یزدگرد کرمانشاه گزارش شده است (Keall, 1982: 51-72).

در میان این بدنه ها ۱۴ سفال نخودی وجود دارد، که در روی بدنه آنها اثر چرخ سفالگری به صورت خط‌های موازی افقی دیده می‌شود و داخل آنها موجدار است و دارای تمپر کاه خرد شده و حرارت برای پخت آنها کافی بوده است و این قطعات باهم بدست آمدند با توجه به ضخامت متعلق به دو یاسه ظرف بزرگ می‌باشند.

یک عدد دسته با تمپر شن بر اثر حرارت سیاه شده است متعلق به یک ظرف آشپزخانه‌ای می‌باشد. ۲ کفه با قسمتی از بدنه که بر بیرون آنها اثر چرخ سفالگری بصورت خط‌های دیده می‌شود که با دست مرطوب صاف شده و دیواره درونی آنها موجدار می‌باشد.

سفال‌ها به جز ظروف آشپزخانه‌ای بقیه دارای بافت محکم، سخت و متراکم که در مواردی بعلت حرارت زیاد تغییر رنگ داده‌اند و چرخساز می‌باشند.

به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد می‌باشد که در خاک آن ذرات اکسید شده آجر به ابعاد 2-3cm وجود دارد. در این لوکوس نیز آجر شکسته و لاشه سنگ‌های پراکنده (به ابعاد ۱۰-۱۵cm) وجود دارد و در این لوکوس سفال، آجر سالم بدست نیامد.

لوکوس ۱۶ (TA L16): وضعیت لوکوس‌های بالاتر همچنان در این لوکوس ادامه دارد، خاک آن رسی نرم با دانه‌بندی درشت و دانه‌های شن به قطر 5-10mm و به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد می‌باشد که در خاک آن ذرات اکسید شده آجر به ابعاد 2-3cm وجود دارد. ریشه درختان قطع شده زیتون که از لوکوس‌های بالاتر وجود داشته است، در این عمق همچنان دیده می‌شود. در این لوکوس آجر شکسته و لاشه سنگ‌های (به ابعاد ۱۰-۱۵cm) به صورت پراکنده ولی به تعداد کم بدست آمد. در این لوکوس سفال بدست نیامد.

لوکوس ۱۷ (TA L17): در این عمق (۳۶۰-۳۹۰cm) وضعیت خاک نسبت به لوکوس‌های بالاتر تغییر محسوسی نداشته بافت خاک همچنان رسی دانه درشت با دانه‌بندی شن به قطر ۵-۱۰mm و به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد با ذرات ریز آجر می‌باشد. در این لوکوس آجر شکسته و لاشه سنگ بطور پراکنده و محدود (به ابعاد ۱۰-۱۵cm) بدست آمد. در این لوکوس سفال بدست نیامد.

لوکوس ۱۸ (TA L18): خاک این لوکوس (۳۹۰-۴۲۰cm) دارای بافت رسی دانه درشت با دانه‌بندی ۵-۱۰mm و به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد با ذرات ریز آجر که اکسیده می‌باشد. در این لوکوس آجر شکسته و لاشه سنگ به صورت پراکنده (به ابعاد ۱۰-۱۵cm) ولی به تعداد کم بدست آمد که در عمق ۴۱۵cm این لوکوس یک تکه آجر بدست

جز سفال‌های آشپز خانه‌ای خوب پخته شده‌اند و دارای بافت سخت و محکم می‌باشند و در مواردی بیرون سفال با کاردک صاف شده است. چند سفال در لوکوس ۱۱ بدست آمد که قبلاً در L10TA مشابه آن سفال‌ها بدست آمده بود در هنگام مطالعه سفالها مشخص شد که متعلق به یک ظرف هستند. (شکل ۱۴)

لوکوس ۱۳ (TA L13): در قسمت داخلی سازه بعد از رسیدن به کف (TA L12) حفاری در این قسمت متوقف گردید و در بیرون سازه برای روشن شدن وضعیت دیوار ادامه داده شد. قبلاً خاک این قسمت به وسیله بیل مکانیکی راهسازی جابجا شده بود. خاک این لوکوس (۲۴۰-۲۷۰cm) رسی با بافت دانه درشت با دانه‌بندی شن و خاک به ابعاد ۵ تا ۱۰ میلی‌متر به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد می‌باشد و در آن ذرات آجر شکسته که اکسیده شده‌اند، به ابعاد ۲ تا ۳ سانتیمتر وجود دارد، خاک این قسمت آواری است که در آن آجر شکسته، لاشه سنگ به‌طور پراکنده (به ابعاد ۱۵cm) وجود دارد. این لوکوس فاقد داده‌های سفالی است.

لوکوس ۱۴ (TA L14): وضعیت خاک این لوکوس مانند TA L13 است، بافت رسی نرم با دانه‌بندی درشت همراه با دانه‌های شن به ابعاد 5-10mm به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد و ذرات آجر اکسید شده می‌باشد. خاک این لوکوس آواری است که در آن آجر شکسته، لاشه سنگ به‌طور پراکنده (به ابعاد ۱۰-۱۵cm) وجود دارد. در این لوکوس سفال بدست نیامد.

لوکوس ۱۵ (TA L15): این لوکوس ادامه L13, TA L14 می‌باشد، خاک آن رس نرم با دانه‌بندی درشت و دانه‌های شن به قطر 5-10mm و

لایه نگاری و فازهای ترانشه A

در پایان کاوش در این ترانشه ۶ لایه که شیب آنها به سمت غرب می باشد، که برخلاف شیب لایه‌های زمین‌شناسی است که به سمت شرق شیب دارند. لایه نگاری در این ترانشه نیز مانند لوکوس‌ها از بالا به پایین با اعداد رومی از I تا VI شماره گذاری و لایه‌بندی شدند. در لایه‌نگاری موقعیت لوکوس‌ها نیز نشان داده شده است. براساس آثار بدست آمده از لوکوس‌ها این ترانشه دارای ۲ فاز می باشد که برخلاف لوکوس‌ها از پایین به بالا به فاز ۱ و فاز ۲ شماره گذاری شدند. (شکل ۶)

فاز ۲ (Phase 2): در بر گیرنده L5 و قسمتی از L4، بقایای قسمتی از تنور است که در L3 یافت گردید. در واقع شواهد بدست آمده از کاوش نشانگر اینست که این تنور بعدها بر روی این محوطه احتمالاً توسط ساکنانی که بعدها احتمال در دوره ساسانی و یا بعدتر در این منطقه ساکن شده‌اند، ایجاد گردیده است. در اطراف این تنور تعدادی سفال بدست آمد اما این سفالها را نمی توان در ارتباط با تنور دانست. (رک. به TAL5)

فاز ۱ (Phase 1): شامل لوکوسهای L1-L4, L6-L8, L21-38, L9-L19 می باشد که بر اساس شواهد معماری و سفالهای جلینیکی بدست آمده متعلق به دوره اشکانی میانی و متأخر می باشند. (جدول ۳)

نتیجه گیری و تحلیل داده‌ها

با مطالعه سفال می توان جوامع گذشته را از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و هنری مورد بررسی قرار داد. سفال به جهت تولید فراوان و مداوم همیشه با دگرگونیهای و نوآوری‌ها در شکل و نقش

آمد که بر اثر حرارت زیاد که کاملاً بصورت سرباره وجوش در آمده بود. و همچنین در این لوکوس تکه استخوانهای کوچکی (احتمالاً پرنده) نیز بدست آمد. در این لوکوس سفالی بدست نیامد.

لوکوس ۱۹ (TA L19): خاک لوکوس ۱۹ (۴۲۰-۴۵۰ cm) رسی که دارای بافت درشت با دانه بندی ۵-۱۰ mm و به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد با ذرات اکسید شده آجر می باشد. آجر شکسته و لاشه سنگ به طور پراکنده و به تعداد کم (به ابعاد ۱۰ cm-۱۵) همچنان در این عمق وجود دارد. دو قطعه آجر سالم کوچک به ابعاد ۳×۵×۱۲ cm در کنار دیوار بدست آمد. سفالی در این لوکوس بدست نیامد.

لوکوس ۲۰ (TA L20): خاک لوکوس L20TA (۴۵۰-۴۸۰ cm) قهوه‌ای مایل به قرمز روشن که دارای بافت متراکم و دانه بندی ۳-۵ mm می باشد و این لایه خاک در ترانشه غربی جاده اسفالتی و در نقاط دیگر (در تمام این منطقه گسترش دارد) وجود دارد، که نشان دهنده لایه بکر و طبیعی می باشد. در واقع این لایه شیل قرمز از سازندهای نئوژن می باشد که به صورت لایه‌های کنگلومرایی، ماسه سنگ، شیل و لایه‌های ضعیف گچ، دارای گسترش وسیعی در دشت طارم بوده و بر روی رسوبات فوق سازندهای کواترنر شامل تراسهای آبرفتی و مخروط افکنه‌های متعدد که به رودخانه فزل اوزن منتهی می گردند، قرار گرفته است. بنابراین در عمق ۴۴۰-۴۵۰ cm ترانشه A به خاک بکر رسید، در این لایه قرمز رنگ تا عمق ۳۰ cm برای اطمینان از عدم وجود آثار حفاری ادامه داده شد. (جدول ۳)

جنبه توصیفی هم جنبه تفسیری دارد (دارک، کن، ۱۳۷۹: ص ۹۶).

طبقه‌بندی با تغییر ارتباطی نزدیک دارد. طبقه‌بندی یعنی قرار دادن چیزهای مختلف در گروه‌های مختلف؛ به این طریق می‌توانیم بفهمیم که این گروه‌ها چه ارتباطی با یکدیگر دارند، سپس این ارتباطات را در چارچوب زمانی که به طرق دیگر تنظیم شده است ارزیابی کنیم. راه دیگر این است که بقایای مادی را در گروه‌های مختلف قرار دهیم و ارتباط بین گروه‌ها را شناسایی کنیم تا از این رهگذر به ارتباط گاهنگاری آنها پی ببریم. بدین ترتیب طبقه‌بندی به وسیله‌ای مهم در اندازه‌گیری زمان می‌شود (دارک، کن، ۱۳۷۹: ص ۷۹).

در گمانه زنی و کاوش محوطه کنار جاده ای تشویر (TSR1) ۲۳۶ قطعه در طی کاوش و گمانه زنی در ترانشه A محوطه کنار جاده (TSR.1) بدست آمد.

دو نکته‌ای که قبل از پرداختن به این موضوع باید ذکر شوند این است که در میان سفالها هیچگونه ظرف سالم یا سفالی که بتوان آنرا به دوره سلوکی و پیش تر نسبت داد بدست نیامد.

نکته دیگر ذرات میکاست که در خمیره سفالهای آشپزخانه‌ای و نخودی وجود دارد بعلت جنس خاکی است که خمیره و گل سفال از آن ساخته شده است و به نوع تمپر آن هیچ ارتباطی ندارد، نگارنده اگر به ذرات میکا در شرح سفالها اشاره نموده صرفاً برای نشان دادن و توصیف دقیق سفال بوده و گرنه وجود این ماده (میکا) در خمیره سفال عمدی نبوده و نمی‌توان آنرا ملاک طبقه‌بندی سفالهای دوره خاصی در نظر گرفت.

سفال همراه بوده است، دگرگونی‌هایی که بخشی از آن بر اثر تطور و رشد درونی فرهنگ در طول زمان به وجود می‌آید و بخش دیگر به علت پیوندهای فرهنگی و اقتصادی با جوامع دور و نزدیک پدیدار می‌شد. از سوی دیگر، سفال، به دلایل گوناگون از جمله تولیدی و صادراتی بودن و کاربرد آن در حمل و نقل کالاهای تجارتي بهترین گونه فرهنگی در شناخت اقوام و جوامع به شمار می‌آید. و برای مطالعه میان واحدهای مختلف یک فرهنگ منطقه‌ای از یک سو و فرهنگ‌های منطقه‌ای از سوی دیگر، اهمیت بسیار زیادی دارد؛ اهمیتی که مشابه آن برای هیچگونه فرهنگی دیگر متصور نیست بنابراین سفال را تنها باید نه تنها از جنبه‌های گوناگون بلکه از دیدگاه متفاوت مورد مطالعه قرار داد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ص ۹).

در کاوشهای باستانشناسی داده‌های بیشماری بدست می‌آید. برای استخراج اطلاعات جدید و مدارک قابل تفسیر باید از شیوه‌های نوین و روشهای علمی استفاده نمود. چون داده‌ها فقط حاوی اطلاعاتی درباره خودشان هستند و نمی‌توان آنها را به خودی خود مدارک باستان شناسی قلمداد کرد. هر داده زمانی به مدرک بدل می‌شود که در چهارچوبی مشخص بررسی شود (دارک، کن، ۱۳۷۹: ص ۴۵).

طبقه‌بندی و گاهنگاری سفالها: منظور از طبقه‌بندی در باستانشناسی ارائه یک وسیله تحقیق و شیوه‌ای جهت تنظیم داده‌هاست. تمام طبقه‌بندی‌های مطرح باستانشناسی مستقیماً در ارتباط با مسائلی است که مورد بررسی و مطالعه قرار دارند (فاگان، ج ۱۳۸۲، ۲: ص ۴۰۸) طبقه‌بندی در باستان شناسی هم

توانسته‌اند از اتلاف انرژی جلوگیری نموده و بیشترین بهره‌وری را کسب نمایند. تقریباً تمامی ظروف آشپزخانه‌ای خشن و با دست ساخته شده‌اند، که برای پوشاندن خلل و فرج بیرونی ظرف از لعاب و پوشش گلی استفاده شده و بعد صیقل زده‌اند.

سفالهای نخودی و کرم: دومین گروه عمده سفال در میان سفالهای بدست آمده از بررسی و کاوش محوطه کنار جاده ای تشویر می‌باشد.

فرم ظروف شامل کوزه، کوزه دسته‌دار، خمیره، لیوان با تزیینات شانه‌ای کنده، افزوده، افزوده طنابی و نقش سبدي فشرده می‌باشد. که این ظروف چرخساز و حرارت برای پخت آنها کافی بوده است، اثر چرخ سفالگری بصورت موج‌هایی در داخل این سفالها دیده میشود در حالیکه بیرون آنها با کاردک، یا شی فلزی تراشیده و صاف شده است. در برخی از سفالها اثر چرخ و دست سفالگر در بیرون سفال دیده می‌شود که با دست مرطوب صاف شده است بیشتر سفالهای نخودی رنگ شامل بدنه ظروف پر حجم و کفه و پایه ظروف می‌باشند. در میان این گروه چندین قطعه سفال بدنه که دارای بافت فشرده و سخت با تمپرشن و ماسه می‌باشد، وجود دارند که اثر چرخ سفالگری بصورت موج‌هایی در داخل این سفالها باقی مانده است. بیرون بدنه این سفالها با نقش سبدي فشرده و داغدارتزیین شده است و بعلاوه حرارت زیاد لایه بیرونی آنها رنگ کرم مایل به سفید پیدا کرده در حالیکه مغز سفال نخودی رنگ است.

(طرحهای شماره. 15, TAL9. 12, TAL11.

TAL9. TAL3.21, TAL12) از این نوع سفال (از نظر تزیین) در میان سفالهای بدست از منطقه رستم آباد گیلان که در همسایگی شهرستان طارم می‌باشد که توسط هیات مشترک ایرانی و ژاپنی حفاری شده،

همه این سفالها مربوط به دوره میانی و متأخر اشکانی هستند، اما با توجه به اثر چرخ سفالگری در روی سفالها که به صورت خط‌هایی دیده می‌شود احتمالاً برخی از این سفالها متعلق به اوایل دوره ساسانی می‌باشند. براساس تکنیک ساخت و رنگ خمیره سفال سفالها به چهار گروه تقسیم می‌شوند، بدیهی است سفالهای لعابدار که دارای خمیره کرم یا نخودی هستند اما در اینجا ما فقط لعاب آنها را مد نظر قرار داده و در گروه سفالهای لعابدار طبقه‌بندی کرده‌ایم.

۱- سفالهای آشپزخانه‌ای. ۲- سفالهای نخودی و

کرم. ۳- سفالهای لعابدار. ۴. سفالهای جلینگی (کلینکی).

سفالهای آشپزخانه‌ای: عمده‌ترین گروه سفال بدست آمده از کاوش و گمانه زنی TA محوطه کنار جاده‌ای تشویر سفالهای آشپزخانه‌ای می‌باشد. فرم این گروه از سفالها شامل ظروفی با لبه برگشته به بیرون و شکم دار که بعضی از آنها دارای دسته هلالی و ابرویی تو پر زیر لبه و کاسه با لبه برگشته به داخل می‌باشد.

شکل ظروف آشپزخانه‌ای بدلیل اینکه مستقیم روی آتش قرار می‌گیرند باید حتماً کروی و بدون پایه باشند تا حرارت به طور یکنواخت به همه قسمتهای ظرف برسد. در این صورت حرارت آتش، در یک نقطه متمرکز نشده و در سطح کروی پخش میگردد این امر از ترک خوردگی ظرف جلوگیری می‌کند (رهبر، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲).

این سفالها دارای خمیره شتری (قهوه‌ای) با تمپرشن و گاه می‌باشند. یکی از دلایل استفاده از شن زیاد در ساخت این سفالها جذب بیشتر حرارت هنگام پخت و پز بوده است و با این تکنیک

TSR.2، سفال نوع جلینگی بدست نیامد. تنها در گمانه TA محوطه TSR.1 تعداد ۵ قطعه از این نوع سفال بدست آمد.

سفال جلینگی (Clinky Ware) یا (Cinnamon ware) این سفال برای اولین بار توسط کایلر یانگ و T.C.young و دیوید استروناخ شناسایی و نامگذاری شده است (رهبر، ۱۳۸۲، ص ۱۲۶) علت نامگذاری این سفال این است که هنگام ضربه خوردن یا تلنگر صدایی زنگی شکلی و فلزی ایجاد میکند.

این گونه سفال از گونه‌های شاخص دوره اشکانی و شناسایی آن بسیار آسان است و در بسیاری از بررسی‌های غرب و شمال غرب راهنمایی شناسایی محوطه‌های اشکانی بوده است. تاکنون این نوع سفال از مکانهای تاریخی خورهه، بیستون، نهاوند، کنگاور، ماهیدشت، ری، شوش، اسلام‌آباد غرب، تپه اژنا و بروجرد گزارش شده است (هرینک، ۱۳۷۶: ص ۱۱۷). سفالهای کلینکی در دوره اشکانی میانی در جنوب غرب ایران متداول و جانشین سفال منقوش اشکانی شد، به نظر می‌رسد که سفالهای جلینگی نوعی خلاقیت و نوآوری بومی و محلی منطقه غرب ایران بوده و به مرور زمان به مناطق دیگر گسترش یافته است. این نوع سفال در حوزه غرب ایران از سال ۱۵۰-۱۷۰ ق.م تا اواخر قرن دوم میلادی (۲۵۰ م.) کاربری و رواج داشته است (همان، ۱۳۷۶: ص ۱۱۷).

از نظر فنی رنگ سطح داخل و خارج این سفالها نارنجی، قرمز نارنجی و گاهی خاکستری قهوه‌ای است ولی مغز سفال معمولاً خاکستری روشن یا تیره است. تمپر سفال مشهود نیست ولی در بعضی نمونه‌ها می‌توان شن نرم و ماسه نرم را

گزارش شده است. که این سفالها را دوره تاریخی (اشکانی) تاریخگذاری کرده‌اند (نوکنده و فهیمی، ۱۳۸۲: صص ۶۷-۲۷).

سفالهای لعاب‌دار: سابقه لعاب دادن ظروف سفالی به هزاره اول قبل از میلاد (قرن ۷ و ۸ ق.م) برمی‌گردد، و در دوره هخامنشی اهمیت زیادی داشته است. لعاب دادن سفالها در دوران اولیه اشکانی متداول شده و لعاب سفالها به رنگهای سفید، خاکستری، نقره‌ای، سبز و لجنی رنگ بود و رنگ لعاب‌ها در دوره میانی اشکانی متنوع گردید (هرینک، ۱۳۷۶: ص ۱۱۱).

فرم سفالهای لعاب دار بدست آمده از ترانشه A بیشتر در برگیرنده کاسه با لبه تخت و برگشته به خارج و ظروف پایه‌دار بوده که داخل و بیرون آنها لعاب کاری شده است در برخی نمونه‌ها بیرون ظرف ساده رها شده است و فقط داخل آن لعاب داده شده است. رنگ لعاب این سفالها آبی فیروزه‌ای، آبی کمرنگ (رنگ پریده)، سبز، سفید می‌باشد که تا حدودی لعاب آنها ریخته شده و صدف گرفتگی و ترک خوردگی نیز در آنها مشاهده می‌شود.

نگارنده هنگام مطالعه و بررسی سفالها متوجه گردید که لعاب آبی فیروزه‌ای یا سبزشفالها به علت اختلاف درجه حرارت هنگام پخت لعاب ظرف در کوره سفالگری می‌باشد زیرا در بعضی از سفالها قسمتی از لعاب به رنگ سبز قسمت دیگر فیروزه‌ای شده است، نشان می‌دهد قسمتی از ظرف که در معرض حرارت بیشتری بوده لعاب آن آبی فیروزه‌ای و قسمتی دیگر ظرف که کمتر حرارت دیده سبز باقی مانده است. (جدول ۱)

سفالهای جلینگی (کلینکی): در بررسی سطحی محوطه های TSR.7, TSR.6, TSR.5, TSR.4, TSR.3,

(نوکنده و فهیمی، ۱۳۸۲) و سفالهای دیوار دفاعی گرگان و دیگر محوطه‌های این منطقه (Kiani, 1982)، همچنین سفالهای اشکانی منطقه دهلران (Wright, 1981) و دیگر سفالهای اشکانی (کامبخش فرد، ۱۳۷۹، Adachi, 2005) می باشد.^۲ (شکل ۵)

آجرها: در کاوش این محوطه آجرهای با اندازه‌های متفاوت بدست آمد که نشان از گستردگی و غنی بودن آثار معماری دارد که در نوع خود بسیار جالب توجه است. بعلت بزرگی ابعاد آنها نگارنده از واژه آجرخشتی (۱۲×۲۶ یا ۳۰×۴۹ یا ۳۸×۴۰) و آجر دراز (۱۲×۱۴×۱۴ یا ۱۴×۱۸ یا ۳۸×۴۰) که هم نشان دهنده پخت آن در کوره و هم بزرگی حجم و اندازه آن است در این گزارش استفاده کرده است. از این نوع آجرها تاکنون جایی گزارش نشده است اما در کاوش های اولتان قالاسی (علیزاده، ۱۳۸۶: ص ۶۰-۵۷) و قلعه زهاک (زهنگ) هشترود (قندگر و دیگران، ۱۳۸۳: ص ۱۹۶) خشت‌های با اندازه‌های تقریباً مشابه بدست آمده که دیواره قلعه و سازه‌های دیگر این محوطه‌ها با این مصالح ساخته شده و ضخامت دیوارهای که در آنها از این خشتها استفاده شده ۱۲۰ CM و در قسمتهای مختلف متفاوت بوده و نیز از ملاط گل و ملاط گچ به ضخامت ۲-۳cm در بین رگه آجرها استفاده شده است.

اما آجرهای که در طی کاوش محوطه TSR.1 و بررسی محوطه‌های دیگر روستای تشویر بدست آمدند همگی نارنجی رنگ (احتمالاً از خاک رس قرمز- نارنجی که در محل نیز وجود دارد) و کاملاً

مشاهده کرد. همه این سفالها چرخ سازند و شکل منظم و یکنواختی دارند. حرارت برای پخت آنها کافی بوده و بافت محکم و سختی دارند (همان، ۱۳۷۶: ۱۱۷).

سنت‌های سفالی: سفالهای بدست آمده از یکسوقابل مقایسه با سفالهای غرب ایران (منطقه ۲) می‌باشند و در ساخت آنها از این سنت پیروی نموده‌اند هر چند این سنت منشا آن از غرب ایران است ولی در واقع تا زمانهای دیرتر در حالی که این سنتها در غرب متروک شده بودند در این قسمتها رواج داشته‌اند و بومی سازی شده بودند و از طرف دیگر در میان این سفالها سفالهای نیز بدست آمد که در بردارنده و یادآور سفالهای حوزه شمال غرب (منطقه ۴) و شمال ایران (منطقه ۵) می‌باشند با توجه به اینکه در این سایت تقریباً سفالهای مشابه با این سه حوزه در کنار هم بدست آمد می‌توان گفت که این منطقه نقطه تلاقی این سه حوزه فرهنگی بوده است و این سه سنت در سفالهای این منطقه با توجه به وضعیت جغرافیای آن در کنار هم و همزمان مورد استفاده و کاربرد داشته‌اند و این سه حوزه در این منطقه تلاقی و همپوشانی داشته‌اند. که بر اساس تزیینات، شکل، فرم و گونه‌شناسی سفالها همگی مربوط به دوره میانی و متأخر اشکانی می‌باشند. این سفالها مشابه و قابل مقایسه با سفالهای قلعه یزدگرد کرمانشاه (Keall, 1981)، اولتان قالاسی اردبیل (علیزاده، ۱۳۸۶)، سفالهای قلعه آژی دهاک قندگر، جواد و دیگران، ۱۳۸۳)، خورمه محلات (رهبر، ۱۳۸۲) و سفالهای اشکانی میان آب خوزستان (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳)، تورنگ تپه (Lecompte, 1987) سفالهای ماهنشان زنجان (خسروزاده، عالی، ۱۳۸۳) و سفالهای اشکانی فیلیده منطقه گیلان

^۲- بعلت اینکه در مقاله شرح کامل سفال ها در متن آمده است. دیگر در پایان شرح سفالها حکه غیر ضروری بوده به نوعی هم تکراری بود حذف گردید.

آجرها به نظر می‌رسد از محوطه کنار جاده‌ای تشویر
1. TSR، پاجا داغ 2. TSR باشد که هنگام ساخت این
بنا از آنها استفاده کرده‌اند. اندازه این
آجرها $12 \times 15 \times 8$ cm و $12 \times 14 \times 28$ می‌باشد.

اندازه آجرهای پارتی $12 \times 14 \times 44$ و
 $12 \times 10 \times 40$ و آجرهای ساسانی $9 \times 36 \times 36$ سانتی
متر است (Keall, 1967: 109). اما محققان دیگر
اندازه آجرهای دوره ساسانی $12 \times 10 \times 40$ سانتی‌متر
دانسته‌اند (ر. ک به هوکی، ۱۳۷۹، ص ۱۹). اما کیانی
معتقد است که آجرهای با این اندازه در دوره
ساسانی مرسوم نبوده و اندازه این آجرها را با
آجرهای کاخ آشور و قلعه زهاک قابل مقایسه دانسته
است که متعلق به دوره اشکانیان است
(Kiani, 1982: 38 و Colledge, 1976: fig 40). در

ترانشه G دیوار گرگان نیز انواع مختلفی آجر به
اندازه‌های $8 \times 39 \times 39$ و $9 \times 39 \times 39$ سانتی‌متر
 $10 \times 10 \times 40$ و $11 \times 10 \times 40$ سانتی‌متر بدست آمده
است (Kiani, 1982: 21, Fig. 15, Pl. 8, 1-3) اندازه
این آجرها با آجرهای اواخر دوره اشکانی و ساسانی
قابل مقایسه است (جدول شماره ۲).

معماری: اولین شواهد معماری در ترانشه A در
عمق 140 cm از سطح خاک بدست آمد که شامل
آواری از آجرهای خشتی و لاشه سنگمی باشد که به
صورت نامنظم در سطح ترانشه پراکنده و ریخته
بودند (ر. ک به TAL7) در پایین‌تر از این لوکوس
بقایای دیواری مشخص شد که در ساخت آن از
آجرهای بزرگ و لاشه سنگ باملاط گچ استفاده
شده است، این دیوار دارای 170 cm ضخامت و در
جهت جنوب شرقی - شمال غربی کشیده شده است
که بطور قرینه در دو طرف دارای پشتیبان و شمعک
به ضخامت 17 cm می‌باشد. در ساخت این دیوار ابتدا

پخته و از تمپر گیاهی و شندرشتبا دانه‌های رنگی در
خاک آنها استفاده کرده‌اند، همچنین بعضی آجرها
بعلت حرارت زیاد تغییر شکل داده و دفرمه و ذوب
شده‌اند باتوجه به محل بدست آمدن این آجرها که
از لوکوس TAL18 در کنار بیرونی دیوار-TAL8,21
38 و آوار آجر ریخته TAL7 بدست آمده‌اند، شاید
خود دلیلی بر آتش سوزی در این محل باشد، بدلیل
محدود بودن محدوده حفاری نمیتوان در این مورد
اظهار نظر قطعی کرد.

در TBL12 آجرهای به ابعاد $12 \times 14 \times 49$
و $12 \times 26 \times 48$ cm بدست آمد که دارای اثر مهر
سازنده یا کارگاه آجرپزی بوده است که نشان از
تخصصی بودن این شغل و برند تجاری آن دارد.

در طی حفاری ترانشه TAL3, TAL19، محوطه
1. TSR آجرهای به اندازه $3 \times 5 \times 12$ cm و $3 \times 7 \times 12$
۲۰ همراه و در کنار آجرهای خشتی بدست آمد که
با توجه به ظرافت و ابعاد کوچک آنها نسبت به
آجرهای خشتی احتمالاً جهت تزیین کاربرد داشته‌اند.
بزرگی ابعاد این آجرها و وزن زیاد آنها در حدود kg
۱۵-۱۰ حمل نقل این آجرها را سخت کرده به نظر
میرسد که آوردن این آجرها حتی از چند کیلومتری
صرف اقتصادی نداشته و احتیاج به نیروی کار
فراوانی داشته است بنابراین می‌توان حدس زد که
سازندگان این بناها برای برطرف کردن این مشکل
احتمالاً آجر را در محل قالب‌گیری و در کوره‌های
آجرپزی که برای این منظور تدارک دیده‌اند، پخت
کرده‌اند که وجود آجرهای دفرمه شده و ذوب شده
شاید اگر به دلیل آتش سوزی در نظر نگیریم گواهی
بر این امر باشد.

در آرامگاه دو قلو تشویر از این آجرها در
قاب درها و ورودی‌ها استفاده کرده‌اند که منشا این

تا برفراز آن بر روی سردر های قوسی طاقها را نگاه دارند، هرچند همچنان که گفته شد شواهدی از وجود آن بدست نیامد، ساخت این بنا را در دوره اشکانی اثبات می‌کند.

شواهدی از تزیینات آجری، گچی و گچکاری در طی کاوش بدست نیامد اما با توجه به آجرهای کوچک و تکه‌های گچ بدست آمده در TAL3, TAL9, TAL10, احتمالاً این بنا دارای تزیینات آجری، گچی و گچکاری بوده است که از بین رفته‌اند. در کاخها و ساختمانهای باقی مانده از این دوره از طاق‌های ضربی برای پوشش دالانها و سقف استفاده کرده‌اند که احتمالاً در این بنا از همین شیوه استفاده شده که در طی کاوش شواهدی دال بر آن بدست نیامد.

منابع و مأخذ

- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۵، توسعه و عمران شهرستان طارم، سیمای اقتصادی اجتماعی، استانداری زنجان.
- رهبر، مهدی، ۱۳۸۲، کاوشهای باستانشناسی خورمه، مدیریت میراث فرهنگی استان مرکزی. انتشارات پازینه. تهران.
- کالج، مالکوم، ۱۳۸۰، اشکانیان (پارتیان)، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات هیرمند. تهران.
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۰، تئوری و عمل در باستانشناسی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی و پژوهشگاه. تهران.
- دارک. ار. کن، ۱۳۷۹، مبانی نظری باستانشناسی، ترجمه کامیار عبدی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

زمین را صاف کرده یا تراشیده‌اند تا پی بنا را بر آن ایجاد کنند که این شیوه پی‌سازی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد، بعد از آماده کردن پی شروع به دیوار سازی ساخت بنا نموده‌اند به این صورت که در دو طرف نما از آجرهای خشتی و دراز استفاده شده که بین این رج‌ها از ملاط گچ به ضخامت ۲-۳ cm استفاده گردیده و فضای بین دیوار را به وسیله لاشه سنگ پر کرده‌اند. (شکل ۱۰) ضخامت دیوار با شمعک‌ها ۲۰۴cm می‌باشد، براساس شواهد این دیوار به سمت جنوب شرق و شمال شرق ادامه دارد. (شکل ۱۲ و ر.ک به TAL8,21-38) همچنین در ترانشه B و ترانشه C آثاری از آجرهای چیده شده بدست آمد که نشان دهنده ادامه دیواری بوده که توسط بیل مکانیکی از بین رفته است و در غرب آن نیز بقایای لاشه سنگهای دیده می‌شود (ر.ک به TBL12,L13) هرچند سازه‌های با این ویژگی‌های که ذکر شد تاکنون گزارش نشده است اما این شیوه معماری با دیوارهای عظیم که از لاشه سنگ به عنوان پرکننده استفاده نموده‌اند، در دوره اشکانی ابداع شده که در نما از سنگهای تراشیده استفاده کرده و فضای بین دیوار را با لاشه سنگ پر کرده‌اند و در جاهای که دسترسی به سنگ تقریباً وجود نداشته از آجر در نما و بعنوان پرکننده استفاده نموده‌اند. (کالج، ۱۳۸۰، شکل ۴۱) این شیوه در کاخها و ساختمانهای الحضر، کاخ آشور، که در نمای این ساختمانها سنگ‌های باریک و سنگهای پهن یک در میان قرار گرفته‌اند، استفاده گردیده است (کالج، ۱۳۸۰:ص ۱۲۴-۱۲۱).

در دیوار بدست آمده از ترانشه A نیز از همین شیوه در آجرچینی نما استفاده کرده‌اند و وجود شمعک بصورت قرینه، همچنین ضخامت دیوارها که در دوره اشکانی دیوارهای بنا را ضخیم‌تر می‌گرفتند

- فاگان، برایان، ۱۳۸۲، سرآغاز درآمدی بر باستان‌شناسی، ترجمه غلامعلی شاملو، انتشارات سمت، تهران.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۷۰، باستان‌شناسی و سفال، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره پیاپی ۱۰، نشر دانشگاهی، صص ۴-۱۳.
- علیزاده، کریم، ۱۳۸۲. معرفی سفالهای دژ مادی بیستون کرمانشاه - کاوش ۱۳۸۱، گزارشهای باستان‌شناسی (۲). پژوهشکده، به کوشش دکتر مسعود آذرنوش. صص ۹۲-۹۳.
- نوکنده، جبریل و حمید فهیمی. ۱۳۸۲. پژوهشهای باستان‌شناختی هیئت مشترک ایران و ژاپن در کرانه‌های غربی سپید رود گیلان. گزارشهای باستان‌شناسی (۲). پژوهشکده، به کوشش دکتر مسعود آذرنوش. صص ۲۷-۶۷.
- خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل، عالی. ۱۳۸۵. توصیف و طبقه‌بندی سفالهای سلوکی و اشکانی. بررسیهای باستان‌شناختی میان‌آب شوشتر. به کوشش عباس مقدم. پژوهشکده باستان‌شناسی. تهران. صص ۱۶۵-۲۴۹.
- عالی، ابوالفضل و علیرضا خسروزاده. ۱۳۸۵. توصیف و طبقه‌بندی سفالهای ساسانی. بررسیهای باستان‌شناختی میان‌آب شوشتر. به کوشش عباس مقدم. پژوهشکده باستان‌شناسی. تهران. صص ۲۴۹-۲۹۹.
- خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی. ۱۳۸۵. تشریح دور سوم (سلوکی اشکانی). بررسیهای باستان‌شناختی میان‌آب شوشتر. به کوشش عباس مقدم. پژوهشکده باستان‌شناسی. تهران. صص ۴۹۷-۵۲۵.
- هرینک، ارنی، ۱۳۷۶، سفال ایران در دوران اشکاتی، ترجمه حمیده چوبک، انتشارات سازمان میراث فرهنگی. تهران. چاپ اول.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۹، سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر. انتشارات ققنوس. تهران.
- علیزاده، کریم، ۱۳۸۶، گزارش مقدماتی کاوش‌های باستان‌شناختی در اولتان قالاسی دشت مغان اردبیل - فصل اول و دوم (اسفند ۱۳۸۲- آبان ۱۳۸۳). انتشارات پژوهشگاه. تهران.
- کلایس، ولفرام و پیتر کالمایر، ۱۳۸۵، بیستون، کاوشها و تحقیقات سالهای ۱۹۶۷-۱۹۶۳، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، اداره میراث فرهنگی. تهران.
- قندگر، جواد و حسین اسماعیلی و محمد رحمت‌پور، ۱۳۸۳، کاوشهای قلعه اژدهاک هشتگرد، مجموعه مقالات بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال غرب، به کوشش دکتر مسعود آذرنوش. پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران.
- خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی. ۱۳۸۳. تحلیل گونه‌شناختی سفالهای اشکانی و ساسانی منطقه ماهنشان (زنجان)، مجموعه مقالات بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال غرب، به کوشش دکتر مسعود آذرنوش. پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران. صص ۴۵-۷۰.
- عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۷، بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان طارم (دهستان گیلوان)، ارشیو میراث فرهنگی استان زنجان.
- نجفی، ارض‌الله، ۱۳۸۶، گزارش فصل اول بررسی شهرستان طارم، ارشیو میراث فرهنگی استان زنجان.
- هوکی، ه. ۱۳۷۸، قلعه‌دختر، آتشکده، ترجمه فرزین فر دانش، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشگاه.

de Jean Deshayes par Remy Bouc Harlat et Oliver Lecompte, Paris, pp.93-113

- Keall.E.J& Marguerite J.Keall,1981,the Qaleh Yazdigird pottery:a Statistical approach,Iran,XIX.pp:33-81.

-Keall,Edward.J,1982,Qaleh-I Yazdigird on Overview of the Monumental Architecture ,Iran,XX:Pp:51-72.

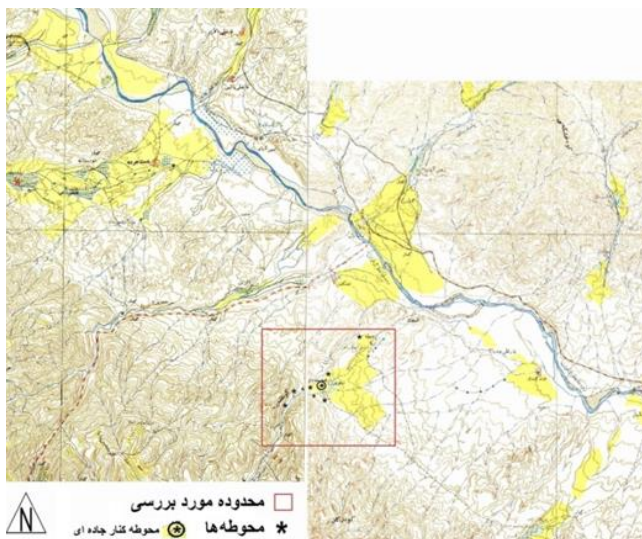
- Kiani, M. Y., 1982, Parthian sites in Hyrcania: the Gorgan plain,Berlin, Archaologische Mitteilungen aus Iran.

- Wright, Henry T., 1981. An early town on Dehloran plain: Excavation at tape

Farukhabad.memoir of the museum Of Anthropology 13, AnArbor: university of Michigan.

- Adachi, Takuro, 2005, considering the regional Differences in The Parthian fine pottery, AL-RA` FIDA` N Vol. XXVI, pp.25-36

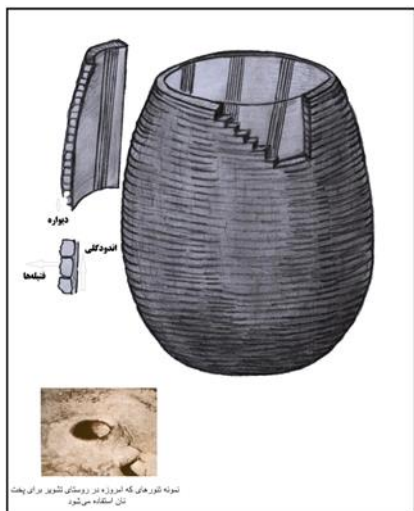
- Lecompte, O., 1987, La Seramique Sassanid, Fouilles de Turang Tepe, Sous La



شکل شماره ۱: موقعیت محوطه کنار جاده ای تشویر



شکل شماره ۲: محوطه کنار جاده تشویر

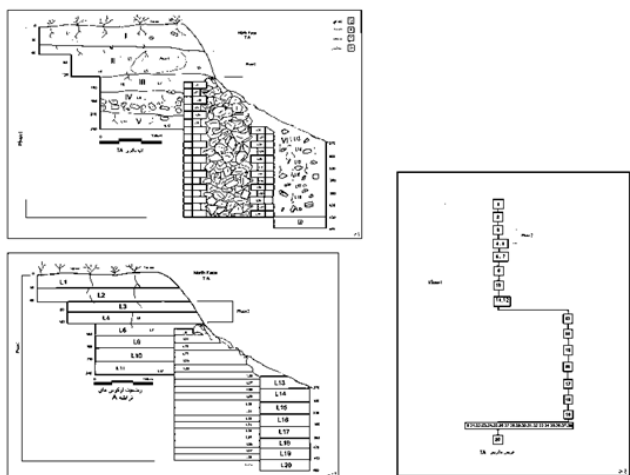


نموده نوره‌های که امروزه در روستای تشویر برای پخت نان استفاده می‌شود.

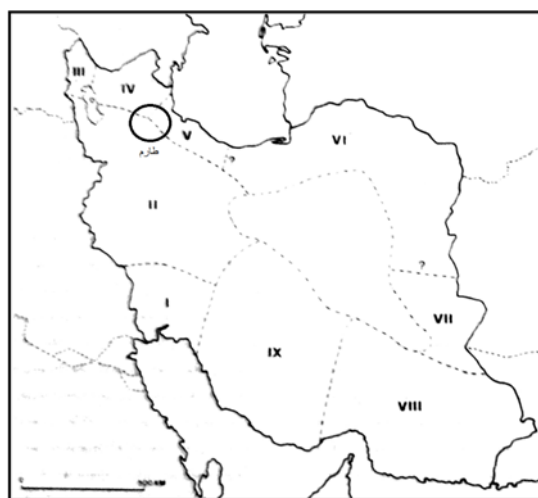


شکل شماره ۳: سفالهای لوکوس ۱ ترانشه A

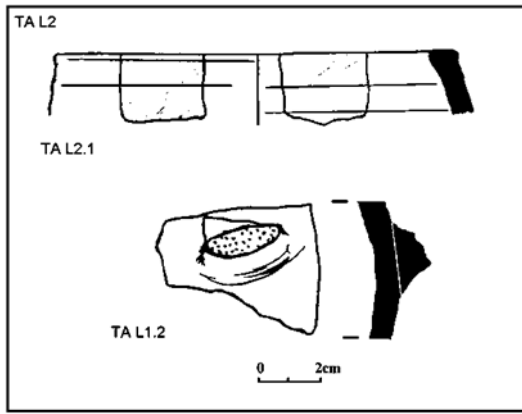
شکل شماره ۴: بازسازی تنور بدست آمده از لوکوس ۵



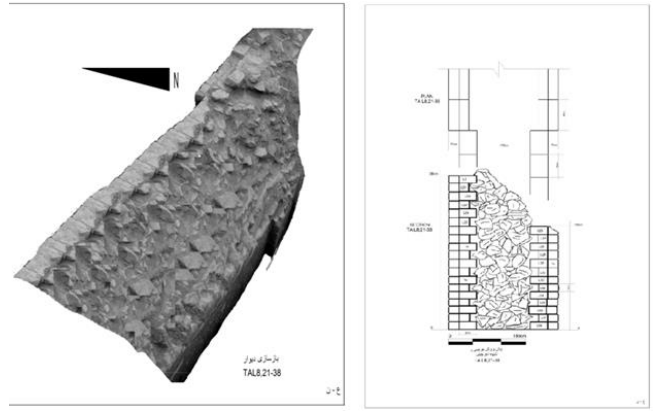
شکل شماره ۶: لایه نگاری وهریس ماتریس ترانشه های A



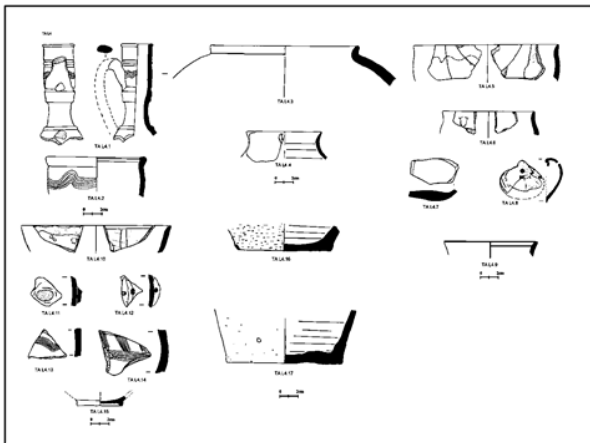
شکل شماره ۵: منطقه بندی سفالهای اشکائی و منطقه طارم



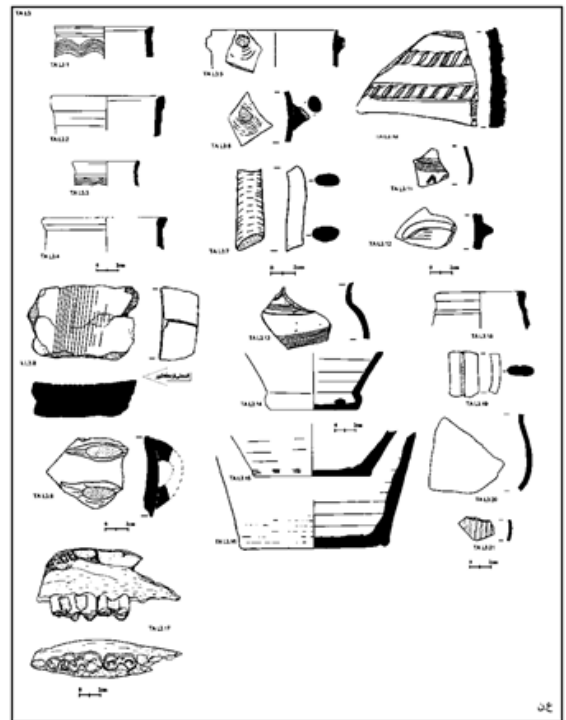
شکل شماره ۸: سفالهای لوکوس ۲ ترانشه A



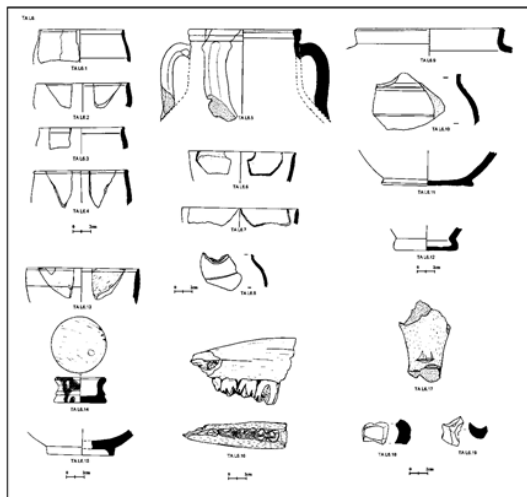
شکل شماره ۷: برش و بازسازی دیوار بدست آمده از ترانشه A



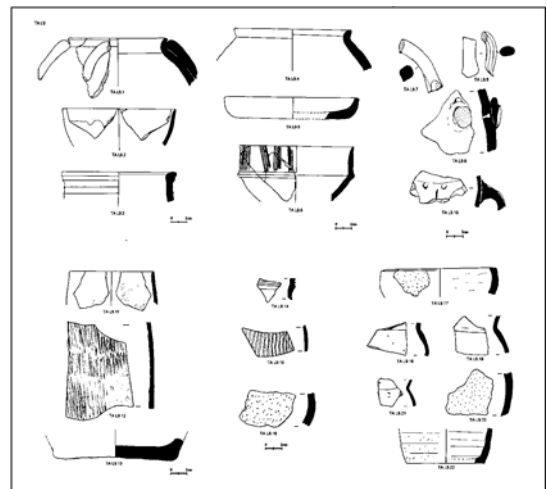
شکل شماره ۱۰: سفالهای لوکوس ۴ ترانشه A



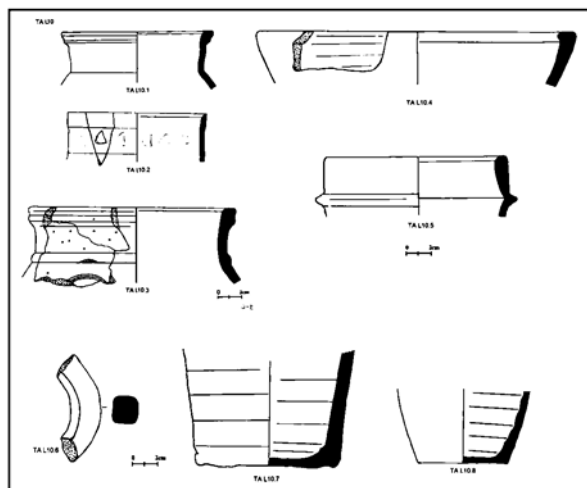
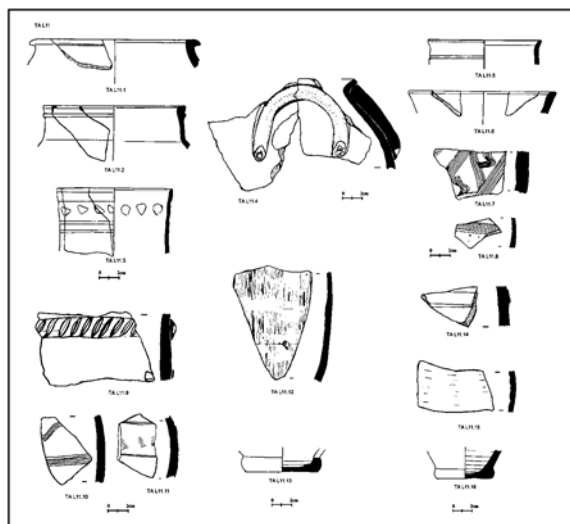
شکل شماره ۹: سفالهای لوکوس ۳ ترانشه



شکل شماره ۱۱: سفالهای لوکوس ۶ ترانشه A



شماره ۱۲: سفالهای لوکوس ۹ ترانشه A



شکل شماره ۱۳: سفالهای لوکوس ۱۰ ترانسه A

شکل شماره ۱۴: سفالهای لوکوس ۱۱ ترانسه A

شکل شماره ۱۵: آجرهای بدست آمده از ترانسه A
و آجرهای دفرمه شده

جدول شماره ۱: سفالهای بدست آمده از ترانسه TA

شماره	اندازه	محل کشف	دوره
۱	۱۲×۵×۳	TAL3, TAL19-TSR.1	اشکانی میانی و متاخر
۲	۴۹×۱۴×۱۲	زیر روستای تشویر از TSR.1 - TA, TBL4, TCL3	اشکانی میانی و متاخر
۳	۴۸×۴۹×۲۶×۱۲	از ترانسه TA, TB12 و پا جاداغ	اشکانی میانی و متاخر
۴	۳۸×۱۷×۱۲	از TSR.1 TA, TBL4, TCL3 وسط روستای تشویر	اشکانی میانی و متاخر
۵	۴۰×۲۶×۱۲	از ترانسه TA و از سطح روستای تشویر	اشکانی میانی و متاخر
۶	۲۸×۲۷×۱۷×۱۲	از ترانسه TA و از سطح روستای تشویر	اشکانی میانی و متاخر
۷	۲۸×۱۵×۱۲	از ترانسه TA و از سطح روستای تشویر	اشکانی میانی و متاخر
۸	۴۰×۱۴×۱۲	از ترانسه TA و از سطح روستای تشویر	اشکانی میانی و متاخر

جدول شماره ۲: اندازه و مقایسه آجرهای بدست آمده از

ترانشه A

لوکوس	آشپزخانه ای	نخودی و کرم	لعابدار	کلینکی
TA L1	-	۸	۱	-
TA L2	-	۳	۲	۱
TA L3	۷	۲۴	-	۱
TA L4, TA L5	۲۵	۱۵	۶	-
TA L6 TA L7	۹	۱۳	۱	-
TA L8,21-38	-	-	-	-
TA L9	۱۸	۲۱	۴	۳
TA L10	۵	۳۰	-	-

جدول شماره ۳- لوکوس و لایه نگاری و گاهنگاری آثار

ترانشه A

دوره	لایه	نوع لوکوس	عمق	لوکوس
اشکانی میانه ومتاخر	لایه I	بافت خاک با داده های فرهنگی (سفال)	0-30cm	TA L1
		بافت خاک با داده های فرهنگی (سفال)	30-60cm	TA L2
اشکانی میانه ومتاخر	لایه II	بافت خاک با داده های فرهنگی (سفال، استخوان و تکه ای تنور)	60-90cm	TA L3
		بافت خاک با داده های فرهنگی (سفال، شیشه، استخوان)	90-120cm	TA L4
مربوط به دوره‌های جدیدتر		قسمتی از تنور	115cm	TA L5

اشکانی میانه و متاخر	لایه III		بافت خاک با داده های فرهنگی (سفال، شیشه، استخوان)	120-150cm	TA L6	
			آوار آجر، لاشه سنگ و ملات گچ	120-150cm	TAL7	
	L8	از لایه III تا روی خاک	دیوار (رگه های آجر) با لاشه سنگ و آجر خشتی و ملات گچ	140-440cm	TAL8, 21-38	
اشکانی میانه و متاخر	L21	بکر	بافت خاک با داده های فرهنگی (سفال، استخوان، سنگ ساب)	150-180cm	TA L9	
	L22	لایه IV				
	L23		بافت خاک با داده های فرهنگی و آجر ریخته	180-210cm	TA L10	
اشکانی میانه و متاخر	L24	لایه V	بافت خاک با داده های فرهنگی (سفال، استخوان، سنگ ساب)	210-240cm	TA L11	
	L25		کف استقراری بانود گچی	240cm	TA L12	
	L26					
اشکانی میانه و متاخر	L27	لایه VI	بافت خاک با اجرشکسته و لاشه سنگ	240-270cm	TA L13	
	L28		بافت خاک با اجرشکسته و لاشه سنگ	270-300cm	TA L14	
	L29					
	L30		بافت خاک با اجرشکسته و لاشه سنگ	300-330cm	TA L15	
	L31		بافت خاک با اجرشکسته و لاشه سنگ	330-360cm	TA L16	
	L32		بافت خاک با اجرشکسته و لاشه سنگ	360-390cm	TA L17	
	L33					
	اشکانی میانه و متاخر		L34	بافت خاک با اجرشکسته، لاشه سنگ و استخوان، آجر دفرمه	390-420cm	TA L18
			L35	بافت خاک با اجرشکسته و لاشه سنگ و آجر کوچک	420-450cm	TA L19
			L36			
L37						
L38						
-----	خاک بکر		خاک قرمز فشرده (شیل)	450-480cm	TA L20	